

لودویگ ون بتهوون

درآمدی کوتاه

نوشته مارک ایوان باندز

ترجمه آریا طاری

سرشناسه : باندز، مارک اون، ۱۹۵۴-م. Bonds, Mark Evan, ۱۹۵۴-
عنوان و نام پدیدآور : لودویگ ون بتھوون: درآمدی کوتاه/ مارک ایوان باندز؛ [مترجم] آریا طاری.
مشخصات نشر : تهران: هم آواز، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۶۶ ص.: مصور؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۴-۴۵-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : عنوان اصلی : Ludwig van Beethoven : a very short introduction, 2022.
یادداشت : نمایه.
موضوع : بتھوون، لودویگ وان، ۱۷۷۰-۱۸۲۷م.
موضوع : Beethoven, Ludwig van, ۱۷۷۰-۱۸۲۷
موضوع : آهنگسازان آلمانی -- سرگذشتنامه Composers -- Germany -- Biography
موضوع : آهنگسازان اتریشی -- سرگذشتنامه Composers -- Austria -- Biography
شناسه افزوده : طاری، آریا، ۱۳۷۲-، مترجم
رده بندی کنگره : ۷۸۰/۹۲ / ب۲ / ML۴۱۰
رده بندی دیویی : ۷۸۰/۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۰۱۲۹۳۱
اطلاعات رگورد کتابشناسی : فیپا



لودویگ ون بتھوون (درآمدی کوتاه)

نویسنده: مارک ایوان باندز • مترجم: آریا طاری • ویراستار: مریم میرمطهری

آماده سازی و امور فنی پیش از چاپ: هامان قدسی • طرح جلد: هامان قدسی

چاپ اول: ۱۴۰۴ • شمارگان: ۳۰۰ • قیمت:

چاپ • صحافی : طهرانی

ISBN: 978-600-7454-45-9

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۵۴-۴۵-۹

نشر هم آواز: تهران، خیابان انقلاب، بین بهار و پیچ شمیران، پلاک ۴۰۰

طبقه دوم، شماره ۷، کد پستی: ۱۱۴۸۸۷۳۸۳۶

تلفن: ۷۷۶۱۲۶۸۲-۷۷۶۱۲۹۲۱-۰۲۱



nashrehamaavaz

info@hamaavaz.com

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد به هر شکلی بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۹	مقدمه
۱۳	تورش رویی
۳۳	زندگی
۴۷	آرمان‌ها
۵۵	تاشنویایی
۶۵	عشق
۷۳	بول
۸۵	سیاست
۹۵	آهنگسازی
۱۱۳	اولیه، میانی، متأخر
۱۲۳	موسیقی
۱۴۳	«بتهوون»
۱۵۷	گاه‌شناسی
۱۵۹	نمایه



۱. حتی زمانی که اجراکنندگان لبخند می‌زنند، آهنگساز ترش‌رو است. واسیلی پیتزینکو، رهبر ارکستر، بعد از اجرای پرامز^۱ در سالن رویال آلبرت‌هال^۲ لندن در ۲۰۱۳، به سمت تندیس بتهوون رُست می‌گیرد. این تندیس توسط یوهان نِیْمک شالر کمی بعد از ۱۸۲۷ ساخته شد و همیشه صحنه کنسرت‌های انجمن رویال فیلارمونیک^۳ را، بین سال‌های ۱۸۷۱ تا دهه ۱۹۸۰، مزین می‌کرد. علاوه بر این، حتی کسانی که در وین بودند و از ناشنوایی، روابط عاشقانه ناخوشایند، و سیمای عموماً عبوس او باخبر بودند نیز، موسیقی او را به منزله بیان خود درونی‌اش نمی‌دانستند؛ دلیل این امر بسیار ساده بود: آن‌ها به موسیقی هیچ‌کس اینگونه گوش نمی‌دادند. حتی فرهیخته‌ترین شنوندگان زمان او نیز،

-
1. Proms
 2. Royal Albert Hall
 3. Royal Philharmonic Society

موسیقی را شکلی از خودزندگی‌نامه صوتی نمی‌دانستند. شنوندگان، آنچه را می‌شنیدند بر اساس میزان تأثیرگذار بودنش قضاوت می‌کردند. این ایده که حرّهای به تصویر کشیده شده در سُنات یا سمفونی، ممکن است متعلق به خود آهنگساز بوده باشد، برای معاصران بتهوون بیگانه بود. در این زمینه، ادبیات منقولات بود: آنجا، ایده هنر خودزندگی‌نامه‌نویسی بیش از یک نسل قدمت داشت، و گونه دست‌کم در دوران جوانی، یکی از مهم‌ترین سردمداران آن بود. او آثارش را در خودزندگی‌نامه‌اش «تکه‌هایی از اعترافی بزرگ» نامید و خوانندگان نیز با همین نگاه جذب آن شده بودند.

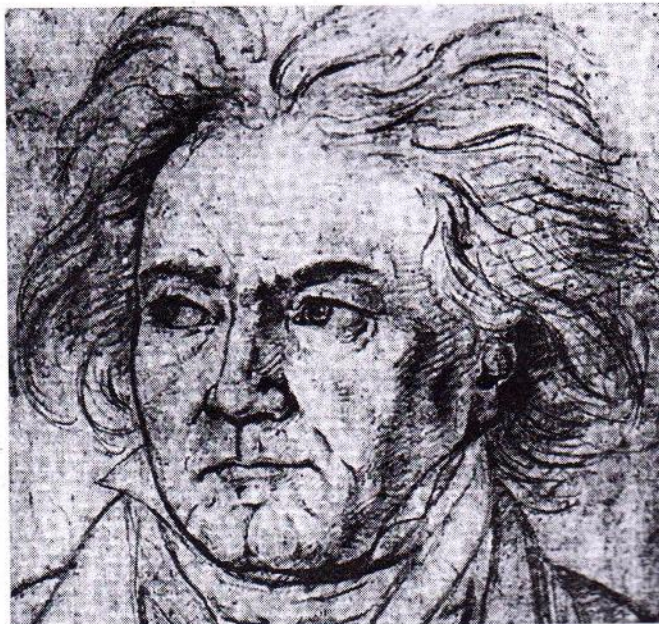
با این حال، جریان موسیقی‌کنندتر از آن بود که از ادبیات عقب‌نماند. شنوندگان، تازه زمانی آثار بتهوون را بیانگر خود او دانستند که با نگاه به گذشته به آثارش گوش دادند. اندکی پس از مرگش، زمانی که اولین زندگی‌نامه‌ها منتشر شدند، مخاطبان برای اولین بار فهمیدند که بدن آهنگساز همیشه رنجور بوده است، و شروع کردند به شنیدن موومان سوم کوارتت زهی در لایپزیگ، اپوس ۱۳۲؛ اثری که عنوان «سرود مقدس بیمار در حال بهبودی برای روز شکرگزاری خدا» را با خود داشت و مخاطبان، آن را آهنگ شخصی بتهوون برای روز شکرگزاری تلقی می‌کردند. وقتی که درباره علاقه عمیق او نسبت به طبیعت خواندند، سمفونی پاستورال را بیانی از عشق او به طبیعت تصور کردند. وقتی که درباره هدف او در «مقابله با سرنوشت» خواندند، به سمفونی پنجم او به‌عنوان بیانی موسیقایی از آن هدف گوش دادند.

به سرعت این باور شکل گرفت که بتهوون روحش را در موسیقی‌اش آشکار کرده است. کرتیان اورهان، منتقد فرانسوی، از سمفونی نهم با عنوان «کل

زندگی «خالقش»، «راز سراسر وجود درونی او» و «زندگی‌نامه اخلاقی» او یاد می‌کرد. الکساندر اولیبیشف، زندگی‌نامه‌نویس روسی، ادعا کرد که به دنبال چیزی در موسیقی آهنگساز بوده که «بیش از همه درباره خود بتهوون، یعنی درونی‌ترین خود او» است. در ۱۸۵۳ جولین اشمیت، منتقد آلمانی و تاریخ‌نگار ادبی «در مورد سمفونی‌های بتهوون» گفت: «حس می‌کنیم با چیزی مواجهیم که بسیار متفاوت‌تر از دوگانه غم و شادی‌ای است که معمولاً در آثار بی‌کلام جریان دارد. عمق اسرارآمیز جهانی معنوی را درک می‌کنیم، و خودمان را در تلاشی برای درک آن شکنجه می‌کنیم... می‌خواهیم بدانیم که چه چیزی این شاعرِ نغمه را به خوشحالی خالص و غم بی‌انتهای هدایت می‌کرد؛ می‌خواهیم به درکی از ویژگی‌های زیبا و اسرارآمیز این مرد مرموز برسیم».

اما همه این‌ها مربوط به آیندگان است. شنوندگان در زمان حیات بتهوون، مشابه شکسپیر از او یاد می‌کردند، کسی که درباره‌اش حتی کمتر از بتهوون می‌دانستند؛ اما او را در جایگاه نویسنده‌ای با احساسات و گستره تکنیکی بی‌انتهای، تحسین می‌کردند. مؤلفی که توانایی فرا رفتن از هر ژانر و فضایی را داشت. خوانندگان به‌ویژه از توانایی شکسپیر، نه تنها از کنار هم گذاشتن شخصیت‌های متضاد و متنوع در یک اثر (یاگو و دزدِ مونا، لیر و کوردلیا، شایلاک و پورشا) بلکه از تضاد و تنوع حالت‌های درام نیز شگفت‌زده می‌شدند. رفت و برگشت از تراژدی به کمدی در نمایشنامه‌های او با جذابیتی بالا اتفاق می‌افتد؛ همان نوع تضادی که در موسیقی بتهوون نیز می‌شنیدند. اینکه معاصران آهنگساز، او را چندین بار به شکسپیر تشبیه کرده‌اند، و خودش هم از مخاطبان سرسپرده آن شاعر (شکسپیر) بوده است، اتفاقی نیست.

پس هر چه بیشتر گوش می‌دهیم، بهتر درک می‌کنیم که مخاطبان



۲. بتهوون در ۱۸۱۸، طرحی از آگوست فان کلوبر. نگاه خیره‌ای که عبوس نیست بلکه متفکرانه است. تنوع حیرت‌انگیز موسیقی بتهوون، ما را ترغیب می‌کند که در جایی دیگر به دنبال ویژگی خلاقانه بگردیم. شاید پرتناقض جلوه کند؛ اما توانایی بتهوون در تطبیق چند منظر فکری در مورد هر اَبّه‌ای، ویژگی همیشگی من درونی‌اش بوده است. رویکرد او در قبال موسیقی، مشابه رویکردش در مورد هر چیز دیگری در زندگی بود. او دوست داشت به هر چه پیش رویش بود، ایده‌ای موسیقایی، یک نام، کلمه، شعر، موقعیت اجتماعی، حتی شخصی دیگر - از چند زاویه متفاوت نگاه کند و در مفهوم و تأثیرشان تا حد امکان کنکاش کند. شناخته‌شده‌ترین مثالش را می‌توان در چهار نُت آغازین سمفونی پنچ دید. موتیف^۱ (با ریتم خاص کوتاه - کوتاه - بلند) در طول هر چهار موومان مدام بازمی‌گردد؛ اما نه دقیقاً به همان شکل سابق. بتهوون کوک، فواصل،

1. Motif

این کتاب یک زندگی‌نامه نیست، و از ترتیب تاریخی هم تبعیت نمی‌کند. بتهوون، با تمام فراز و نشیب‌های زندگی حرفه‌ای و شخصی‌اش، در باورهای بنیادی نسبت به خودش و هنرش، فوق‌العاده باثبات بود، و همین ثبات درونی است که برای درک ارتباط زندگی او با آثارش، راه‌گشا می‌شود. رویکرد بتهوون در قبال موسیقی و زندگی، بسیار مشابه بود. او دوست داشت که در مواجهه با هر چیزی که توجه‌اش را جلب می‌کرد، چند دیدگاه را به کار ببرد: ایده‌ای تماتیک، ژانر موسیقایی، دوست، حامی مالی، پول، سیاست، مذهب. او در سراسر زندگی‌اش شخصیت عبوسی نداشت، و باید مراقب باشیم حسی را که از موسیقی او دریافت می‌کنیم، فوراً با حس‌های شخصی او معادل ندانیم. بتهوون را اغلب، به اشتباه، فردی دردمند و جامعه‌گریز در نظر می‌گیرند؛ با چنین رویکردی به تجربه خودمان از موسیقی او لطمه می‌زنیم. موسیقی او را کسی خلق کرده که شخصیت‌اش، بسیار پیچیده‌تر از آن‌چهره معروف و عبوس است.

